



زنان در تلاشی مضاعف برای عبور کامل از حجاب

نیز به تحسین و ستایش از اقدامات شجاعانه زنان ایران واداشت، و بدین سان برای نخستین بار شعار زیبایی "زن، زندگی، آزادی" در گستره ای به وسعت جهان در گل مُشت های زنان دلاور ایران شکوفه داد.

عبور سلحشورانه زنان ایران در رهایی از حجاب اجباری و رقص و پایکوبی آنان در جشن روسری سوزان - که نماد اقتدار و صلابت ایدئولوژیک رژیم را به آتش کشیدند - آنچنان بر

در صفحه ۴

جنبش "حجاب بی حجاب" که از مردادماه ۱۴۰۱ با به دور افکندن روسری توسط بخشی از زنان ایران شروع شد، با قتل حکومتی ژینا امینی در هم‌آوایی با جنبش انقلابی توده های مردم ایران در جشن پرشکوه روسری سوزان تبلور یافت. اقدام شجاعانه و انقلابی زنان ایران در سوزاندن نماد ایدئولوژیک رژیم در آن روزهای اوج جنبش انقلابی توده های مردم ایران، نه فقط اقتدار ۴۴ ساله حاکمیت در تحمیل حجاب اجباری را در هم شکست، بلکه جهان را

هفت‌تپه همچنان هوشیار و پیشتاز است



در هفت‌تپه دور جدیدی از مبارزه آغاز شده است. مبارزه در هفت‌تپه فقط محلی نیست بلکه اساساً "فرا هفت‌تپه‌ای" است. پرچم اعتراض نسبت به مزد مصوب " شورای عالی کار" و پرچم اعتراض علیه وضع موجود در دست کارگران هفت‌تپه به اهتزاز درآمده و همه‌ی نگاه‌ها را متوجه خودساخته است. کارگران مبارز مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه دست‌کم طی ۱۵ سال اخیر، همواره به‌عنوان بخش پیشرو طبقه کارگر ظاهر شده‌اند. پرچم مبارزه علیه خصوصی‌سازی بیش از هر جا در این مجتمع به اهتزاز درآمد و سرانجام به بار نشست. این کارگران مبارز و پیگیر هفت‌تپه بودند که پوزه اسد بیگی و رستمی و تمام مقامات دولتی استان حامی وی و کل سیاست خصوصی‌سازی در هفت‌تپه را به خاک مالیدند. شعار نان، کار، آزادی و اداره شورایی که بانام اسماعیل بخشی عجین است، باهمت وی و سایر کارگران آگاه و پیشرو کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه بود که به جزء تفکیک‌ناپذیر جنبش طبقه کارگر تبدیل شد. هفت‌تپه بود که آلترناتیو شورایی را در برابر طبقه سرمایه‌دار حاکم و اپوزیسیون رنگارنگ بورژوازی قرارداد. این کارگران مبارز و آگاه هفت‌تپه بودند که سندی‌کای

در صفحه ۲

اعتلای جنبش بین‌المللی کارگری



موج اعتصابات و تظاهرات کارگری به‌ویژه کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری را فراگرفته است. در طول یک ماه گذشته میلیون‌ها کارگر در اروپا، آمریکا و آفریقا به اعتصاب و اغلب تظاهرات و راهپیمایی‌های گسترده روی آوردند. این موج اعتصابات و تظاهرات که از اوایل سال ۲۰۲۳ وسعت گرفته است، پی آمد تشدید بحران اقتصادی است که جهان سرمایه‌داری با بیماری

در صفحه ۶

بحران اقتصادی رکود - تورمی در سالی که گذشت و چشم‌انداز آن در سال جاری

سالی که گذشت بحران اقتصادی رکود - تورمی ابعاد عمیق‌تری به خود گرفت. به‌جرات می‌توان گفت که هیچ سالی سرعت رشد و تعمیق بحران اقتصادی مانند سال گذشته نبوده است. واقعیتی که کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه در زندگی خود از گسترش فقر تا بیکاری با تمام وجود آن را احساس کردند. در حالی که رشد اقتصادی برخلاف ادعای مقامات دولتی منفی بود، نقدینگی به مانند سال‌های گذشته به شدت افزایش یافت، تورم رکورد همی سال‌های گذشته را شکست و رکود اقتصادی بخش‌های مختلف

در صفحه ۱۲

اطلاعیه کمیته خارج کشور
سازمان فدائیان (اقلیت)
به مناسبت درگذشت
سهراب اسدیان

به یاد پدر اسدیان!

در صفحه ۸

از کارزار مبارزاتی کارگران هفت تپه حمایت کنیم

در صفحه ۵

جمهوری سرمایه‌داران

بار دیگر دست در جیب کارگران کرد

در صفحه ۹

خیزش میلیونی کارگران قاره آفریقا علیه بیکاری، گرانی و فقر!

در صفحه ۳

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

هفتتپه همچنان هوشیار و پشیمان است



امضای حمایت از کارزار سخن می‌گفت، تأکید کرد، "اگر این مصوبه را لغو نکردند، مطمئن باشم دو ماه بعد که نرخ تورم سال بعد آمد، کارگران مثل سیل حرکت می‌کنند در خیابان و تنها راه نجات مردم همان خیابان است".

پیش از آن نیز یوسف بهمنی از نمایندگان کارگران هفتتپه در تجمع اعتراضی کارگران هفتتپه مورخ ۵ فروردین، در سخنان خویش در جمع کارگران، آغاز یک کارزار مبارزاتی در اعتراض به حداقل مزد مصوب شورای عالی کار برای سال ۱۴۰۲ و مبارزه برای لغو آن را اعلام نموده و از عموم کارگران دعوت به عمل آورد به این کارزار به پیوندند. جمعی از کارگران هفتتپه از بخش‌های مختلف نیز در اطلاعیه‌ای در همین روز خطاب به کارگران سراسر کشور، آغاز کارزار مبارزاتی را اعلام نمودند و در اطلاعیه خود چنین نوشتند: "بدون اتحاد و اعتراض عملی نمی‌توان این وضعیت فلاکت‌بار را تغییر داد. بدون مبارزه و ایجاد فشار و قدرت کارگری نمی‌توان به مطالبات برحقمان دست‌یابیم.

کارگران، هم‌طبقه‌ای‌ها در سراسر کشور! ما امروز پنجم فروردین تجمع اعتراضی در هفتتپه برگزار کردیم که به‌عنوان بخش کوچکی از خانواده بزرگ طبقه کارگر در ایران اعلام کنیم نجاتها به‌صورت بیابانه و نوشته و اطلاعیه با دستمزد خط مرگ مخالفیم بلکه عملاً و به نیروی متحدانه کارگری علیه آن مبارزه خواهیم کرد. لذا بدین‌وسیله از همه کارگران و زحمتکشان در سراسر کشور دعوت می‌کنیم که به کارزار عملی مقابله با این دستمزد و وضعیت فلاکت باری که برای ما ایجاد کرده‌اند بپیوندند. زنده‌باد اتحاد و مبارزه."

سال نو را کارگران هفتتپه با تجمعات اعتراضی و سازمان‌دهی کارزار مبارزاتی در اعتراض به مزد مصوب "شورای عالی کار" و باهدف اتحاد کارگران و گسترش اعتراضات میدانی آغاز کرده‌اند. این ابتکار عمل و اقدام هوشیارانه و مسئولانه کارگران آگاه و مبارز هفتتپه می‌تواند به ابزار و وسیله‌ای برای اتحاد سراسری کارگران تبدیل شود. مزد و حداقل دستمزد فقط امر کارگران هفتتپه نیست. افزایش حداقل دستمزد به بالای خط فقر فقط خواست کارگر هفتتپه نیست، خواست این یا آن بخش کارگری نیست بلکه خواست عموم کارگران در همه بخش‌ها در سراسر کشور است. در شرایط کنونی هیچ روش و تاکتیک دیگری به‌اندازه‌ی اعتصاب و مبارزه میدانی که کارگران هفتتپه نیز بر آن تأکید ویژه‌ای دارند، نمی‌تواند مؤثر و مثمر ثمر باشد. روشن است که خواست‌های کارگران حتی خواست‌های اقتصادی از نمونه افزایش دستمزد به بالای خط فقر نیز در چارچوب‌های شورای عالی کار و مقررات

تومان تخمین زده می‌شود. تعیین حداقل دستمزد چند برابر زیرخط فقر، معنای دیگری جز کوچکتر شدن سفره کارگران و اسفناک تر شدن وضعیت معیشتی خانواده‌های کارگری ندارد. طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی حاکم در همان حال که صدها هزار میلیارد تومان را به سپاه و بسیج و روحانیت و دستگاه عریض و طویل بوروکراسی دولتی اختصاص می‌دهد و یا در راستای پیشبرد اهداف و مقاصد ماجراجویانه و سیاست‌های پان اسلام‌یستی خود، صرف جریان‌های ارتجاعی و اسلامی می‌کند، اما حاضر نیست حتی در حد خط فقر برای معیشت کارگران هزینه کند. خیلی روشن است که کارگران با ۵ میلیون و ۸ میلیون نمی‌توانند هزینه‌های زندگی ولو در اندازه‌ی حداقل‌ها را تأمین کنند. لذا بدیهی است که معترض این تصمیم باشند و هستند. دستمزد، یکی از موضوعات و خواست‌های مهمی است که کل طبقه کارگر با آن درگیر است و می‌تواند یکی از انگیزه‌های اعراض و از محورهای مهم هماهنگی و اتحاد مبارزاتی کارگران در بخش‌های مختلف باشد. نخستین جرقه‌ی اعتراض علیه این مصوبه و مبارزه برای لغو آن که می‌تواند سرمنشأ یک همکاری گسترده کارگری باشد، از هفتتپه برخاست.

روز چهارشنبه ۹ فروردین، با تجمع کارگران هفتتپه در محوطه صنعتی شرکت، استارت اعتراض زده شد. در این تجمع اعتراضی ابراهیم عباسی منجری از نمایندگان منتخب کارگران هفتتپه سخنرانی کرد. ابراهیم از یاران قدیمی اسماعیل در این سخنرانی از جمله در مورد ماهیت ضد کارگری شورای عالی کار، "جنگ صوری" در آن و زیر پا گذاشتن حتی قوانین نیمبند موجود در مورد تعیین حداقل دستمزد و مصوبه‌ی مزدی این نهاد ضد کارگری که کارگران را فقیرتر و سفره‌ها را کوچکتر نموده است سخن گفت. ابراهیم عباسی کسانی را که به‌عنوان نماینده کارگری در شورای عالی کار هستند، "مترسک"هایی خواند که "دست‌نشانده سرمایه‌دار، دست‌نشانده امنیت‌ها و دولتی‌ها هستند." وی کل ماجرای تعیین حداقل دستمزد را "سرکوب نرم" خواند و از کارگران خواست نسبت به این ظلم بی‌تفاوت نباشند. عباسی در سخنان خود، روی دو مطالبه تأکید نمود یک مطالبه هفتتپه‌ای مبنی بر همسان‌سازی حقوق کارگران شرکت نیشکر هفتتپه با کارگران طرح توسعه که مدیریت واحدی دارند. در مورد خواست دوم به‌عنوان یک خواست فرا هفتتپه‌ای عباسی از اعتراض به مصوبه‌ی مزدی ۱۴۰۲، ایستادن در مقابل آن و مبارزه برای لغو آن سخن گفت. وی اعلام کرد کارگران هفتتپه یک کارزار مبارزاتی را سازمان داده‌اند و از همه کارگران دعوت کرد به کارزار اعتراض به مصوبه شورای عالی کار و مبارزه برای لغو آن به پیوندند و از آن حمایت کنند. در تجمع روز چهارشنبه شعارهایی چون "کارگر ایرانی اتحاد، اتحاد"، "کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد" و "مرگ بر ستمگر درود بر کارگر" سر داده شد. ابراهیم عباسی در همان حال که از جمع‌آوری

کارگران نیشکر هفتتپه را ایجاد کردند و بعد که سندیکا دیگر نمی‌توانست به شکل گذشته در میان کارگران حضور و فعالیت داشته باشد، با تکیه بر خرد جمعی، تشکل مستقل کارگری در محل کار و تولید را سازمان دادند و "شورای مستقل کارگری" خود را ایجاد کردند. تشکل مستقلی که خود محصول مبارزات کارگران هفتتپه بود و از درون شرایط و مبارزات کارگران سر برآورده بود، به یگانه سازمانده اعتصابات و اعتراضات کارگران هفتتپه تبدیل و محبوب کارگران شد. هفتتپه‌ی پیشگام و پشیمان، اکنون به ابتکار عمل دیگری دست‌زده و گام دیگری به‌پیش برداشته است. این ابتکار عمل می‌تواند باید به سرمنشأ یک حرکت بزرگ کارگری تبدیل شود. هفتتپه‌ی مبارز، پرچم اعتراض علیه حداقل مزد سال ۱۴۰۲ مصوبه "شورای عالی کار" و مبارزه برای لغو آن را برافراشته و با



راه‌اندازی یک کارزار مبارزاتی، از عموم کارگران دعوت به عمل آورده است علیه این مصوبه و در برابر ظلم و ستم طبقه حاکم به اعتراض برخیزند.

حداقل مزد سال ۱۴۰۲ طبق معمول پس از یک نمایش تکراری و بحث‌های ساختگی در "شورای عالی کار" که یک‌نهاد حکومتی است، در آخرین روز اسفند سال گذشته تعیین شد. مطابق مصوبه این نهاد، حداقل دستمزد ۲۷ درصد و سایر سطوح مزدی ۲۱ درصد اضافه شد. این در حالی است که نرخ تورم در اسفندماه بالای ۶۰ درصد بود. به گزارش بانک مرکزی نرخ تورم ماهانه در شب عید، در ۲۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده و تورم نقطه‌ای کشور به ۶۴ درصد رسید. اضافه بر آن تخمین زده می‌شود در سال جاری نیز حداقل، یک تورم ۵۰ درصدی وجود خواهد داشت. البته نرخ تورم واقعی بیشتر از ارقامی است که بانک مرکزی اعلام می‌کند، اما "شورای عالی کار" در تعیین حداقل دستمزد، صرف‌نظر از اینکه هیچ‌گاه هزینه‌های یک خانوار کارگری را لحاظ نمی‌کند، در تعیین مزد حداقل سال ۱۴۰۲ نه فقط نرخ تورم واقعی که حتی نرخ تورم اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی را هم منظور نکرد. این روش همیشگی شورای عالی کار بوده و در تمام ۳۳ ساله که از تصویب قانون کار می‌گذرد تمام تصمیمات و مصوبات آن به زیان کارگران بوده است. حداقل دستمزد سال ۱۴۰۲، ۵ میلیون و ۳۵۰ هزار تومان تعیین شده که با محاسبه حق اولاد و مسکن و غیره می‌شود ۸ میلیون تومان. این در حالی است طبق برآوردهای تشکل‌های مستقل، حداقل هزینه‌های یک خانوار ۳-۴ نفره کارگری بالای ۲۵ میلیون تومان و تا ۳۲ میلیون



خیزش میلیونی کارگران قاره آفریقا علیه بیکاری، گرانی و فقر!

آفریقا طی روزهای اخیر شاهد اعتصابات میلیونی کارگران و زحمتکشان این قاره علیه بیکاری، گرانی، تورم و فساد بوده است. روز دوشنبه ۲۰ مارس برابر با آخرین روز اسفند ۱۴۰۱، میلیون‌ها تن در آفریقای جنوبی، کنیا، سنگال و تونس علیه مصائب نظام سرمایه‌داری و سیاست‌های نئولیبرالی که به بیکاری و فقر روزافزون زحمتکشان انجامیده، دست به اعتصاب زده و در شهرهای بزرگ این کشورها به راهپیمایی‌های باشکوه دست زدند.

در آفریقای جنوبی به دعوت احزاب و سازمان‌های چپ و اتحادیه‌های کارگری، میلیون‌ها تن از کارگران و زحمتکشان در شهرهای ژوهانسبورگ و کیپ‌تاون علیه سیاست‌های دولت ورشکسته «رامپوزا» رئیس‌جمهور این کشور، اعتصاب کرده و حضور پرشکوه خود در خیابان‌ها را به نمایش گذاشتند. باینکه این کشور دارای ثروت و ذخایر هنگفت معدنی است، اما فقر و فلاکت اقتصادی میلیون‌ها را به کام فقر و گرسنگی کشانده است. دامنه ورشکستگی دولت آفریقای جنوبی به حدی است که طی سال‌های گذشته کارگران و زحمتکشان آفریقای جنوبی علاوه بر مصائب بی‌شمار نظام سرمایه‌داری از قبیل بیکاری و تورم، با قطع برق و خاموشی‌های گسترده دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. تنها کافی است گفته شود که در سال ۲۰۲۲ مردم در آفریقای جنوبی ۲۵۰ روز را در خاموشی به سر بردند. این خاموشی‌ها نهنها تولید و صنایع و زندگی روزمره را متوقف کرده بلکه خسارات جانی فراوانی نیز به همراه داشته است. گستردگی فاجعه تا بدان حد رسید که برای جابه‌جا کردن پیکرهای بی‌جان تلنبار شده در سردخانه‌ها وضعیت اضطراری اعلام و تقاضای کمک عمومی داده شد. علت این خاموشی‌ها از کارافتادن ژنراتورهای کهنه و قدیمی است که دولت از تعمیر یا جایگزین کردن آن‌ها به بهانه ورشکستگی سر باز می‌زند. این در حالی است که هر روز موارد بیشتری از فساد اداری و غارت و چپاول اموال عمومی توسط دولت فاش می‌شود. از همین رو مردم به سئوه آمده در آفریقای جنوبی با اعتصاب و حضور میلیونی خود در خیابان‌ها خواهان برکناری رئیس‌جمهور این کشور شدند. در جریان این اعتراضات گرچه پلیس با حمله به تظاهرکنندگان صدها تن را دستگیر کرد، اما نتوانست مانع از ادامه اعتراض جمعیت انبوه تظاهرکننده در خیابان‌ها گردد.

سنگال و کنیا دو کشور دیگر آفریقایی نیز شاهد اعتراضات و راهپیمایی‌های وسیع توده‌ای علیه گرانی و فقر و تورم بودند. این اعتراضات طی ماه‌های گذشته رشد بیشتری یافته و به حضور پررنگ کارگران منجر شده است.

در همین روز در تونس نیز اعتراضات و راهپیمایی‌های عظیمی علیه گرانی و افزایش سرسام‌آور اجاره‌های مسکن برگزار شد. کارگران و زحمتکشان تونسی در این روز مراسم رسمی جشن سالروز استقلال از فرانسه را به تظاهرات‌های ضد دولتی تبدیل کردند. در این اعتراضات وسیع توده‌ای علاوه بر کارگران، دانشجویان و اقشار زحمتکش، سازمان‌ها و گروه‌های زنان نقش و مشارکت فعالی ایفا نمودند. بی‌شک اعتصابات میلیونی طبقه کارگر فرانسه طی هفته‌های گذشته علیه افزایش سن بازنشستگی که دولت «مکرون» را تا مرز برکناری کشاند، الهامبخش طبقه کارگری است که جشن استقلال از استعمار فرانسه را با مبارزه علیه استثمار پیوند زده است.

کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت) همبستگی خود را با مبارزات پرشکوه کارگران علیه نظام سرمایه‌داری در هر کجای جهان اعلام می‌کند از پاریس و نیروبی گرفته تا تونس و ژوهانسبورگ.

**زنده‌باد همبستگی بین‌المللی کارگران
کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
۲۲ مارس ۲۰۲۳ برابر با ۲ فروردین ۱۴۰۲**

هفت‌تپه همچنان هوشیار و پیشتاز است

مربوطه قابل تحقق نیست. نه امضای طومار، نه نامه‌نویسی، کمکی به حل مسئله نمی‌کند. با ایجاد کمیته‌های اعتصاب و کمیته‌های هماهنگی و سازماندهی اعتصابات فراواحدی و سراسری است که می‌توان طبقه حاکم رابه عقب نشینی وادار کرد. با اعتصاب و اعتراض میدانی و با مبارزه متحد است که طبقه حاکم و رژیم سیاسی آن را بایستی به عقب راند. کارزار مبارزاتی و اعتراض میدانی گسترده و سراسری علیه مصوبه شورای عالی کار، مؤثرترین تاکتیک مبارزه در لحظه حاضر است. کارزار مبارزاتی کارگران هفت‌تپه بایستی در عمل موردحمایت جدی و گسترده واقع شود. این کارزار، یک اتحاد عمل واقعی و میدانی در کف خیابان است. اتحاد عمل‌های کارگری در حد توافق روی یک رقم واحد حداقل دستمزد و صدور بیانیه مشترک، گرچه مفید بوده اما نتوانسته است نیروی کارگری را حول خود بسیج کند و برای سازمان‌دهی یک کارزار مبارزاتی حول خواست مشترک ناکافی بود. هرگاه عمل و اعتراض میدانی پشتوانه حرف‌ها و تصمیم‌ها نباشد، ارتجاع حاکم و طبقه سرمایه‌دار حاکم نیز ما را جدی نخواهند گرفت.

کارزار اعتراض علیه مصوبه مزدی و مبارزه برای لغو آن، ایستادگی در برابر تعرض طبقه حاکم به سطح معیشت کارگران، تنها با اتخاذ تاکتیک‌های مؤثر مبارزه به‌یژه اعتصاب و اعتراض میدانی می‌تواند قرین پیروزی شود. کارزار مبارزاتی کارگران هفت‌تپه، از این خصوصیت و پتانسیل برخوردار است که به‌وسیله‌ای برای اتحاد سراسری کارگران تبدیل شود و می‌تواند اتحاد عمل کارگری را تقویت کند. نه‌فقط این، بلکه مهیتر از آن می‌تواند زمینه‌های همکاری و همگامی بخش‌های مختلف جنبش کارگری و اتحاد کارگران و زحمتکشان و تمام نیروهای هم‌سرنوشت و استثمارشده را نیز فراهم سازد. کارزار مبارزاتی و مبارزه مشترک حول خواست مشترک اگر درست هدایت شود و اگر به‌طور گسترده از آن استقبال شود، می‌تواند به ابزار مؤثری برای همگرایی کارگران سراسر کشور تبدیل شود و از درون یک مبارزه واقعی و عملی، شکل‌گیری بلوک مستقل و متحدی از طبقه کارگر و اقشار زحمتکش را در چشم‌انداز قرار دهد. بنابراین در شرایط کنونی بسیار مهم است که ابتکار عمل و اقدام هوشمندانه کارگران هفت‌تپه، موردحمایت جدی واقع شود.

پرچم اتحاد سراسری و کارزار مبارزاتی حول یک خواست معین که خواست عموم کارگران است توسط کارگران هفت‌تپه برافراشته شده و نخستین مشعل، روشن شده است. با برافراشتن پرچم‌ها و برافروختن مشعل مبارزه در فولاد، ذوب‌آهن، پتروشیمی، معادن، نفت و گاز و حفاری و سایر مؤسسات و کارخانه‌ها، در این کارزار مبارزاتی شرکت کنیم، صفوف خود را هماهنگ کنیم، مبارزه علیه وضع تحمیلی موجود را گسترش دهیم و به یک اتحاد کارگری در مقیاس سراسری جامه عمل پوشانیم.

زنان در تلاشی مضاعف برای عبور کامل از حجاب

جمهوری اسلامی گران آمد که اکنون با فروکش کردن مبارزات خیابانی توده های مردم ایران، تمامی دستگاه های تبلیغاتی و سرکوب رژیم برای انتقام گیری از زنان ایران بسیج شده اند تا شاید بتوانند بار دیگر آب رفته را به جوی بازگردانند. در این میان، آخوندهای مفتخور جمهوری اسلامی که بیش از همه طعم صلابت مبارزات دلیرانه زنان را چشیده اند و طی ماه های گذشته خفت عامه پرانی را به عینه تجربه کرده اند، این روزها همانند گرگ های زخمی به میدان آمده اند و علیه زنان مبارز ایران زوزه می کشند. این مفتخورهای انگل جامعه که طی ۴۴ سال علیه زنان ایران پاره پاره سرایی کرده اند، اکنون در ایام نوروزی، با دیدن حضور پر تعداد زنان "بی حجاب" در اتوبوس و مترو و خیابان و پارک ها آنچنان به خشم آمده اند که به بی پروا ترین شکل ممکن علیه زنان و دختران مبارز ایران به لجن پراکنی مشغولند.

یکی بانگ بر می کشد، اگر اوضاع بر همین منوال پیش رود، "بنیان خانواده" ویران خواهد شد. آن دیگری نعره می زند، اگر حکومت نمی تواند جلوی زنان را بگیرد، ما خودمان به صورت "آتش به اختیار" اقدام خواهیم کرد. مفتخور دیگری استقلال اقتصادی زنان را بر نمی تابد و از سر استیصال نهیب می زند، اگر پول دست زنان بیاید، جامعه و خانواده را به تباهی می کشانند. همراه با پیاوه سرایی اینگونه آخوندهای انگل و مفتخور، نمایندگان مجلس ارتجاع نیز به تکاپو افتاده اند تا آبروی بریاد رفته حاکمیت را ترمیم کنند.

بیزن نوباره یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع از طرح جدید مجلس برای مقابله با زنان "بی حجاب" خبر داده است. طرحی که بنا به گفته او به توافق سران قوای سه گانه رسیده و قرار است اینبار حجاب اجباری را به شکل "هوشمند" بر زنان ایران تحمیل کنند. اگرچه نماینده دیگری سخنان او را تکذیب کرده است، اما در صورت تصویب چنین طرحی، زنان "بی حجاب" با دوربین های مدار بسته در اماکن عمومی شناسایی و به طور "غیرحضوری" با جریمه های سنگین از قبیل، ضبط تلفن، بستن حساب بانکی، گرفتن گواهی نامه رانندگی و پاسپورت مجازات خواهند شد.

حسین جلالی، یکی دیگر از نمایندگان مجلس ارتجاع هم در باره جزئیات طرح برخورد با مخالفان حجاب حکومتی موسوم به "طرح عفاف و حجاب" گفته است: "برای کسانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی کنند جریمه های سنگینی از ۵۰۰ هزار تومان تا ۳ میلیارد تومان تعیین شده است". پیشتر، موسی غضنفرآبادی، رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس نیز از طرحی به نام "طرح ویژه حجاب" خبر داده بود که به موجب آن، در صورت تداوم بی حجابی یک فرد، کارت ملی شخص، مسدود و تا زمانی که

فرد بی حجاب، جریمه بی حجابی اش را پرداخت نکند، همه خدمات اجتماعی مثل امکان بهره بردن از سیستم بانکی کشور و... از او گرفته خواهد شد. روشن است که همه اینگونه دست و پا زدن های جمهوری اسلامی برای پرهیز از تقابل مستقیم نیروی انتظامی با جنبش "حجاب بی حجاب" زنان در کف خیابان است. چرا که هیئت حاکمه ایران به خوبی می داند در شرایط پرتلاطم کنونی که یک موقعیت انقلابی تمام عیار جامعه را فرا گرفته است، هرگونه تقابل مستقیم عوامل سرکوب با زنان ایران چه بسا به حریقی گسترده تر از حریق بعد از قتل حکومتی ژینا امینی منجر گردد. این موضوع آنچنان برای دستگاه اطلاعاتی رژیم روشن است که تمام عوامل اجرایی حاکمیت در مزیت اینگونه طرح های به اصطلاح "هوشمند" اعلام کرده اند که "هیچ برخورد مستقیم با فرد بدحجاب توسط نیروهای بیرون از مجموعه وجود نخواهد داشت" و واکنش نسبت به زنان بی حجاب "غیر حضوری" خواهد بود.

افزایش روزافزون زنان و دختران جوانی که این روزها در گستره ای به وسعت ایران بدون روسری در خیابان و پارک ها و اماکن عمومی ظاهر می شوند و بی توجه به هشدارهای سرکوبگران رژیم، رقص و پایکوبی جمعی بدون پوشش اسلامی را به روال عادی زندگی شان تبدیل کرده اند، آنچنان وحشت هیئت حاکمه را برانگیخته است که دیگر نه فقط آخوندهای انگل و نمایندگان فاسد مجلس ارتجاع، بلکه رئیس قوه قضاییه و وزارت کشور جمهوری اسلامی نیز زنان "بی حجاب" را به سرکوب و مجازات تهدید کرده اند.

محسنی اژه ای روز هفتم فروردین، اعلام کرد: "ضابطین موظف هستند با جرم مشهود و هر نوع ناهنجاری که خلاف قانون و شرع است و در ملاء عام رخ می دهد و سبب آزردگی مردم مومن می شود، برخورد کنند". وزارت کشور جمهوری اسلامی نیز روز پنجشنبه دهم فروردین طی یک بیانیه رسمی اعلام کرد: "هیچ گونه عقب نشینی یا تساهل در اصول و احکام دینی و ارزش های سنتی صورت نگرفته و نخواهد گرفت و حجاب به عنوان یک ضرورت شرعی غیر قابل تردید همواره از اصول علمی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود".

اینکه چگونه و از کی تا حالا سرکوب عریان زنان در تحمیل حجاب اسلامی و سلب اختیار آنان از حق آزادی انتخاب پوشش، در قاموس جمهوری اسلامی اجرای "اصول علمی" شده است، از جمله افاضات عجیب و غریب این بیانیه است که وزارت کشور جمهوری اسلامی بعد از ۴۴ سال تحمیل پوشش اجباری اکنون بر آن شده تا بی حقوقی محض و تبعیض جنسیتی علیه زنان را با لاطنالاتی از نوع رعایت "اصول علمی" به خورد طرفداران نظام بدهد.

طنز آمیزترین بخش بیانیه وزارت کشور، عقب نشینی خفت بار جمهوری اسلامی نسبت به موضوع "کم حجابی" و "شل حجابی" یا به تعبیر بیانیه "ضعیف الحجابی" زنان است. هیئت حاکمه ایران طی ۴۴ سال گذشته زنان ایران را حتی به بهانه "کم حجابی" به طور مستمر و بی وقفه سرکوب کرده است، اما اکنون که حکومت در گستره ای وسیع درگیر با زنان به اصطلاح بی حجاب است، فعلا تمرکز خود را از میلیون ها زن "کم حجاب" در جامعه برداشته و به تاسی از سخنان ۱۴ دیماه ۱۴۰۱ خامنه ای که گفته بود: "کسانی که حجاب ضعیف دارند هم از دختران خود ما هستند؛ نباید آن ها را متهم کرد"، برای اینکه شکست خود را در مقابله با گسترش کشف حجاب زنان کتمان کنند، در ظاهر به تمجید از زنان "ضعیف الحجاب" برخاسته است. در ۲۳ شهریور ۱۴۰۱، مهسا (ژینا) امینی، دختر جوانی که فقط چند تار موی او از روسری بیرون بود، توسط مأموران آدمکش جمهوری اسلامی دستگیر و پس از سه روز جنازه اش را به خانواده تحویل دادند. قتل ژینا امینی حریقی شد بر خرمن جمهوری اسلامی و از همان روز خاکسپاری او یک جنبش انقلابی عظیم و همه گیر با محوریت شعار "زن، زندگی، آزادی" در کشور شکل گرفت. جنبشی که اگرچه اکنون کمی فروکش کرده است، اما جشن و پایکوبی روزهای روسری سوزان این جنبش انقلابی همچنان در جامعه ادامه دارد و زنان و دختران دلاور ما بی توجه به هشدارهای سرکوبگران رژیم در گستره ای به وسعت ایران پرچم جنبش "حجاب بی حجاب" را در خیابان ها و میدان های شهر در اهتزاز نگه داشته اند.

جمهوری اسلامی که اکنون در مقابله با جنبش پرتوان و رو به گسترش کشف حجاب زنان این چنین ناتوان گشته است، کارش به آن درجه از خفت و خواری رسیده که همان دختران جوانی را که در روزگاری نه چندان دور به دلیل "بد حجابی" کشته است، همان زنانی را که طی ۴۴ سال به دلیل "شل حجابی" به رویشان اسید پاشیده، همان دخترانی را که طی سالیان دراز به جرم داشتن "حجاب ضعیف" بازداشت و یا زیر ضربات باتوم و مشت و لگد له کرده است، اکنون برای کتمان دیروزی و شکست خفت بارشان، این مجموعه از زنانی را که هنوز به طور کامل روسری از سر بر نگرفته اند، "دختران رژیم" می خواند.

بیانیه وزارت کشور بی توجه به سرکوب تاکنونی رژیم در مورد زنان به اصطلاح "بدحجاب" دیروزی و بی توجه به عقب نشینی خفت بار هیئت حاکمه در مورد "پوشش کامل اسلامی"، اکنون در تمجید از زنان "شل حجاب" نوشته است: "در حالی که برآورد غلط تبهکاران فرهنگی داخلی و خارجی بر رویگردانی بانوان محترم ایران از حجاب تمرکز یافته بود، "اسیلی" افراد "ضعیف الحجاب" علاوه بر مهابت بانوان محجبه سبب استیلا یاس بر اردوگاه جنگ چند بعدی معاندان ایران اسلامی گردید".

در صفحه ۵

ستم و تبعیض بر پایه جنسیت ملغا باید گردد

زنان در تلاشی مضاعف برای عبور کامل از حجاب اجباری

خامنه ای و وزارت کشور جمهوری اسلامی آن چنان خود را به نفهمی زده اند که نمی خواهند بپذیرند که اگر قرار بود در این مرحله از جنبش انقلابی تمام زنان ایران حجاب از سر بر می کشیدند، دیگر چیزی به نام وزارت کشور جمهوری اسلامی باقی نمی ماند تا اکنون بتواند با صدور بیانیه ای سرکوبگرانه این چنین علیه زنان ایران یاره سرایی کند. پوشیده نیست هر آن کسی که با روند انقلاب آشنایی دارد، می داند که این قانون انقلاب و سیر تکاملی جنبش مبارزاتی زنان علیه حجاب اجباری است که پیشروی هر گام آن به میزان پیشروی جنبش انقلابی توده های مردم ایران بستگی دارد و طبیعتاً در موج بلند بعدی که دیر نخواهد بود، همان میلیون ها زنی که امروز با گذاشتن یک شال بر سر به خیابان می آیند و جمهوری اسلامی از اینکه آنان هنوز به طور کامل روسری از سر بر ننگرفته اند و با تعبیر "ضعیف الحجاب" به ظاهر از آنان تمجید می کند، در موج بعدی جنبش، یکایک آنان نخستین برپا کنندگان جشن روسری سوزان در خیابانها و میدان های شهر خواهند بود.

اکنون همه کسانی که اوضاع ایران را دنبال می کنند، بر این امر باور دارند که جامعه متلاطم ایران به شدت آستان تحولات بزرگ اجتماعی است. جمهوری اسلامی از هر سو شکست خورده است. ناتوانی هیئت حاکمه در برون رفت از بحران های عمیقی که در آن غرق است، حتی برای دست اندرکاران حکومتی نیز روشن شده است. شکاف در بالایی ها به شدت تعمیق یافته و طبقه حاکم را در برخورد به موضوع حجاب اجباری به چند دستگی کشانده است. در این اوضاع پر تلاطم و انقلابی حاکم بر جامعه، جمهوری اسلامی در مواجهه با زنان بر سر یک دو راهی دو سر باخت قرار دارد. اگر به سرکوب علنی و خیابانی زنان روی آورد، محتملاً با جنبش عظیم تری نسبت به جنبش انقلابی نیمه دوم سال ۱۴۰۱ مواجه خواهد شد. اگر در مقابل زنان عقب نشینی کند، این نیز به معنای پذیرش شکست اقتدار رژیم در مقابل زنان است. شکستی که به زنان اعتماد به نفس بیشتری می دهد تا در گستره ای وسیعتر بدون حجاب اسلامی به خیابان و اماکن عمومی قدم بگذارند.

جمهوری اسلامی طی سال های گذشته تمامی راه های سرکوب زنان را تجربه کرده و در اجرای همه راه ها با شکست مواجه شده است. اکنون تنها شیوه ای که برای جمهوری اسلامی باقی مانده است، همانا در تقابل قرار دادن صاحبان رستوران ها، مغازه ها، فروشگاه ها، سوپر مارکت ها و دیگر اماکن خدماتی با زنان "بی حجاب" است. طی دو هفته گذشته ده ها رستوران و فروشگاه و مغازه در شهرهای مختلف ایران به دلیل خدمات دهی به زنان بی حجاب پلمپ شده اند. بیانیه وزارت کشور عملاً دست "آتش به اختیار" های حزب الهی رژیم را برای حمله به زنان باز گذاشته است. تنها یکروز بعد از بیانیه وزارت کشور، در شهر شاندیز مشهد یک مزدور بسیجی آتش به اختیار به نام مصطفی



از کارزار مبارزاتی کارگران هفت تپه حمایت کنیم

شورای عالی کار که نهادی وابسته به حکومت است، همانند سال های گذشته در آخرین روزهای سال ۱۴۰۱ با افزایش ۲۱ درصدی حداقل مزد کارگران، بار دیگر دست در جیب کارگران و زحمتکشان ایران کرد. تصمیم ضد کارگری "شورای عالی کار" در مورد افزایش ۲۱ درصدی دستمزد سال ۱۴۰۲ در حالی صورت گرفته است که رسانه های رسمی نرخ تورم را بالای ۵۰ درصد اعلام نموده اند. و این در شرایطی است که کارگران در زندگی واقعی و روزمره خود به عین می بینند که گرانی اقلام مورد نیاز آنان تا ۱۰۰ درصد و در مواردی بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. در عین حال، تعیین ۲۱ درصدی حداقل مزد کارگران در وضعیتی صورت گرفته است که برخی از مقامات اقتصادی حکومتی نرخ تورم سال ۱۴۰۲ را دستکم تا ۵۰ درصد تخمین زده اند.

افزایش ناچیز دستمزد اسمی کنونی که کمتر از نصف نرخ تورم رسمی اعلام شده توسط دولت سرمایه داری حاکم بر ایران است، معنایی جز این ندارد که در سال ۱۴۰۲ نیز دستمزد واقعی کارگران به طور فاحشی کاهش یافته و سفره آنان نسبت به سال های گذشته باز هم تهی تر خواهد شد. اکنون با روشن شدن تعیین حداقل دستمزد در سال جاری، کارگران مبارز شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در اعتراض به تعیین میزان حداقل دستمزد سال ۱۴۰۲ توسط "شورای عالی کار" اعتراض کرده و با سازماندهی یک کارزار مبارزاتی از کلیه کارگران دعوت نموده اند که در این کارزار اعتراضی شرکت و از آن حمایت کنند.

روشن است در مقابل این تعرض آشکار طبقه سرمایه دار و دولت حامی آنان که آشکارا دست در جیب کارگران کرده اند، کارگران نیز برای رهایی از فقر و فلاکت تحمل شده بر آنان و برای رسیدن به یک زندگی بهتر باید متحد و یکپارچه در قامت یک طبقه علیه سرکوب و ستم و استثمار سرمایه داران به مبارزه برخیزند.

سازمان فدائیان (اقلیت) تعیین ۲۱ درصدی حداقل مزد کارگران را یک جنایت آشکار علیه آنان می داند و عموم کارگران را به مبارزه علیه این اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی فرا می خواند. سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت قاطع از اقدام هوشیارانه و مسئولانه کارگران مبارز هفت تپه در راه اندازی یک کارزار مبارزاتی در اعتراض به این تعرض آشکار رژیم، اتحاد، سازماندهی و همبستگی طبقاتی کارگران را رمز موفقیت آنان در هر اقدام مبارزاتی می داند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی

نایب باد نظام سرمایه داری

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵ فروردین ۱۴۰۲

کار، نان، آزادی- حکومت شورایی

جنبش انقلابی در آینده ای نه چندان دور در راه است. بی تردید، موج بعدی جنبش انقلابی توده های مردم ایران بسیار گسترده تر از خیزش و جدال های پیشین مردم با رژیم خواهد بود. جدال بعدی، یقیناً جدالی بزرگ و سرنوشت ساز است که چه بسا جنبش های دیگر اجتماعی از قبیل جنبش معلمان، بازنشستگان، پرستاران، بیکاران، تهیدستان، جوانان، نویسندگان و روشنفکران و در گستره ای وسیعتر جنبش طبقه کارگر ایران هم وارد میدان این نبرد تعیین کننده خواهند شد. جدالی بزرگ و جنبشی سرنوشت ساز که زنان ایران از هم اکنون با اراده ای سترک و تلاشی مضاعف برای عبور کامل از حجاب اجباری خود را مهیا کرده اند.

عبدی با مادر و دختری که بدون روسری در فروشگاه مشغول خرید بودند، درگیر شد و یک سطل ماست را بر سر آنان خالی کرد. فردای آن روز مادر و دختر بازداشت و مغازه هم پلمپ گردید که پس از یک روز فک پلمپ شد. با واکنش های گسترده ای که نسبت به این اقدام بسیجی آتش به اختیار در درون جامعه صورت گرفته است، تردیدی نیست که این شیوه سرکوب رژیم نیز راه به جایی نخواهد برد و به زودی شکست بزرگتری نصیب جمهوری اسلامی خواهد شد.

پوشیده نیست در شرایط بحرانی کنونی و بر بستر موقعیت انقلابی و در پی تلاطماتی که همه لایه های جامعه را فرا گرفته است، موج بعدی

را نمایندگی می‌کنند، در روز ۱۶ مارس (چهارشنبه) اعتصاب سراسری برگزار

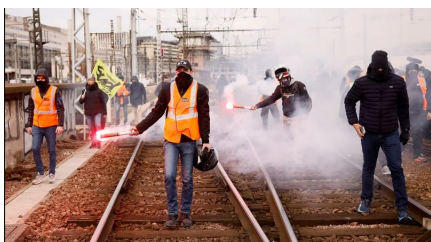


کردند.

یونان به‌کلی تعطیل شد و بزرگترین تظاهرات خیابانی که یونان از سال ۲۰۱۹ با آن مواجه شده است، برپا گردید.

در کنار یونان، پرتغال نیز یکی از فقیرترین کشورهای اروپایی است که در چندین ماه سال جاری در پی افزایش تورم با اعتصاب و تظاهرات پی در پی در بخش دولتی و خصوصی روبه‌رو بوده است. کارگران عموماً در فقر به سر می‌برند. نیمی از کارگران پرتغالی در سال گذشته کمتر از ۱۰۰۰ یورو (۱۰۶۷ دلار) در ماه درآمد داشته‌اند. این در حالی است که حداقل دستمزد این کشور ۷۶۰ یورو در ماه است. در اعتراض به این وضعیت فاجعه بار، ۱۹ مارس ده‌ها هزارتن از کارکنان بخش دولتی و خصوصی پرتغال برای افزایش دستمزدها و مقابله با افزایش هزینه‌های زندگی در لیسبون تظاهرات کردند.

روز دوشنبه ۲۰ مارس برابر با آخرین روز اسفند ۱۴۰۱، میلیون‌ها تن از کارگران و زحمتکشان در آفریقای جنوبی، کنیا، سنگال و تونس علیه مصائب نظام سرمایه‌داری و



سیاست‌های نئولیبرالی که به بیکاری، گرانی، فقر روزافزون زحمتکشان و فساد انجامیده، به اعتصاب و تظاهرات روی آوردند. در آفریقای جنوبی صدها هزار تن تظاهرات کردند و خواستار برکناری رئیس‌جمهوری شدند.

در آلمان نیز که وضعیت کارگران از بسیاری کشورهای اروپایی بالنسبه بهتر بوده است، در پی افزایش شدید نرخ تورم و هزینه‌های کلان نظامی این کشور، وضعیت معیشتی کارگران و کارمندان رو به وخامت گذاشته و سطح زندگی آن‌ها تنزل کرده است. از همین روست که اعتصابات بزرگی

در صفحه ۷

اعتلای جنبش بین‌المللی کارگری

بنابراین، نتیجه تشدید و تعمیق بحران اقتصادی، تشدید تضادهای طبقاتی بوده است. از همین روست که مبارزات طبقه کارگر جهانی در چند ماه اخیر اعتلای روزافزون یافته و دامنه این مبارزات در سال جاری وسعت بیشتری به خود خواهد گرفت. گرچه برجسته‌ترین مبارزات را در چند ماه اخیر طبقه کارگر فرانسه داشته است، اما پیش از آن‌که با تفصیل بیشتری به این مبارزات بپردازیم به چند نمونه دیگر از



مهم‌ترین مبارزات جنبش جهانی طبقه کارگر در یک ماه اخیر اشاره کنیم.

از اوایل ماه مارس، یونان صحنه تظاهرات خیابانی در پی برخورد دو قطار در ۲۸ فوریه (۹ اسفند) و مرگ ۵۸ تن از مردم این کشور بود. مردم یونان زیر فشار سرمایه مالی اروپایی هم‌ساله باید میلیاردها دلار بابت بازپرداخت وام‌ها و بهره‌های سنگین که پایانی بر آن نیست بپردازند و روزبه‌روز فقیرتر شوند. به‌رغم پرداخت‌های کلان بابت اصل و بهره وام‌ها، درحالی‌که ۵ سال پیش بدهی خارجی یونان به بانک‌های اروپایی و صندوق بین‌المللی پول ۳۳۰ میلیارد دلار بود، اکنون از ۴۰۰ میلیارد نیز فراتر رفته است. نتیجه آن نیز تشدید فقر و نارضایتی عمومی بوده است. دولت این کشور هزینه این وام‌ها را که سود آن نصیب طبقه سرمایه‌دار شده است، بر دوش مردم این کشور قرار داده است. سیاست ریاضت دولت مانع از سرمایه‌گذاری در بخش خدمات عمومی و کمبود نیروی کار در این بخش شده است که یکی از نتایج آن همین برخورد دو قطار بود. در پی این رویداد فاجعه‌بار، خشم مردم یونان بار دیگر منفجر شد و علیه دولت این کشور به خیابان‌ها ریختند. در ادامه این اعتراضات و تظاهرات گسترده توده‌ای، هزاران کارگر راه‌آهن در واکنش به ناامنی شرایط کار در ۱۴ مارس اعتصاب ۲۴ ساعته برپا کردند.

در پی آن نیز بزرگترین اتحادیه‌های کارگری یونان که بیش از دو میلیون کارگر

کرونا و جنگ اوکراین با آن روبه‌رو شده است. بحران رکود-تورمی پس از ۵ دهه بار دیگر بازگشته و به جزء لاینجزای بحران مزمن اقتصادی جهان سرمایه‌داری تبدیل شده است.

ارزیابی‌ها حاکی است که به‌ویژه در سال جدید، رکود اقتصادی جهان تشدید خواهد شد. طبقه‌های آن نیز از هم‌اکنون با ورشکستگی برخی بانک‌ها در سوئیس و آمریکا آشکار شده است. بر طبق پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول، تولید ناخالص داخلی منطقه یورو از ۳ / ۵ درصد در ۲۰۲۲ به ۰ / ۷ درصد و آمریکا از ۲ درصد به ۱ / ۴ درصد کاهش خواهد یافت. در این میان، رکود قدرت‌های بزرگ اقتصادی اروپا عمیق‌تر خواهد بود. آلمان از ۱ / ۹ به ۰ / ۱ درصد، فرانسه از ۲ / ۶ درصد به ۰ / ۷ درصد، ایتالیا به ۰ / ۶ درصد، انگلیس، ۰ / ۴ - درصد، خواهد رسید.

متوسط تورم مواد غذایی در کشورهای اروپایی هم‌اکنون ۴ / ۱۵ در صد و نرخ تورم ۵ / ۸ درصد اعلام شده است. این نرخ تورم در اروپای شرقی تا ۲۶ درصد است. نرخ تورم در آمریکا ۶ تا ۷ درصد



است. نرخ بیکاری تا پایان سال ۲۰۲۲، در منطقه یورو ۶ / ۶ درصد اعلام شد. تخمین زده می‌شود که متجاوز از ۱۳ میلیون از جمعیت اتحادیه اروپا بیکارند که ۱۱ میلیون آن عضو منطقه یورو هستند.

پوشیده نیست که با عمیق‌تر شدن رکود در سال جاری، بخش بزرگی از کارگران جهان به‌صفت بیکاران خواهند پیوست. ادامه جنگ در اوکراین نیز فشارهای تورمی بر طبقه کارگر را در سراسر جهان افزایش خواهد داد. دولت‌های اروپایی و آمریکا با اختصاص مبالغ کلانی به جنگ اوکراین و افزایش بودجه‌های نظامی، هزینه‌های سنگینی را به‌ویژه در اروپا بر دوش طبقه کارگر تحمیل کرده‌اند. هزینه‌ها زندگی پی‌درپی در حال افزایش و سطح معیشت تنزل یافته و بازهم تنزل خواهد کرد.

اعتلای جنبش بین‌المللی کارگری

در نتیجه این اعتصابات، تظاهرات و بستن جاده‌ها و برخی مراکز، ترافیک جاده‌ای، ریلی و هوایی تحت تأثیر قرار گرفته است. اعتصاب پاکبان‌های فرانسه که در اعتراض



به افزایش سن بازنشستگی آن‌ها از ۵۸ سال به ۶۰ سال انجام شده است باعث چند هزار تن زباله در پاریس و حومه این شهر شده که زندگی را برای مردم فرانسوی تحمل ناپذیر کرده است. با این وجود مردم فرانسه برای پیروزی بر ماکرون تمام فشارها را تحمل کرده‌اند.

دولت فرانسه که قصد دارد به هر شکل ممکن این طرح ضد کارگری را عملی کند، نیروهای سرکوب خود را نیز بسیج کرده و نیمی از آن‌ها را در پاریس مستقر کرده است. برخوردهای پلیس با مردم شدید و وحشیانه است. تا کنون ده‌ها تن در نتیجه وحشی‌گری پلیس مصدوم شده‌اند. تنها در ۲۳ مارس لاقلاً یکصد نفر در پاریس بازداشت و برای آن‌ها پرونده قضایی تشکیل شده است.

وزیر کشور فرانسه نیز اعلام کرد که نیروهای پلیس ۴۵۷ نفر را در روز ۲۳ مارس در سراسر فرانسه بازداشت کرده‌اند.



ده‌ها نفر از آنان در پاریس بازداشت شدند. او افزود که ۴۴۱ نیروی پلیس بر اثر پرتاب اسید، سنگ یا کوکتل مولوتف زخمی شدند. همچنین به گفته وی، ۱۴۰ آتش‌سوزی در جریان اعتراضات روز پنجشنبه اعلام شد و شامگاه پنجشنبه نیز ده‌ها آتش‌سوزی همچنان

در جریان بود. این مبارزه همچنان ادامه دارد.

پیروزی در این مبارزه برای هر دو طرف درگیری بسیار مهم است. از همین رو ماکرون به شدت برای پیشبرد این سیاست تلاش می‌کند، چراکه شکست نه فقط باعث می‌گردد که بورژوازی فرانسه از سودهای کلان ناشی از افزایش سن بازنشستگی محروم گردد، بلکه یک شکست سیاسی برای وی محسوب می‌گردد که در ادامه باید به پیشروی جنبش کارگری و یکرشته از مطالبات دیگر کارگران به‌ویژه بر سر افزایش دستمزد تن دهد. برای طبقه کارگر نیز پیروزی در این مبارزه قبل از هر چیز یک پیروزی سیاسی است که تأثیر خود را نه فقط در جامعه فرانسه بلکه در کل اروپا نیز برجای خواهد گذاشت. از همین روست که اکثریت بزرگ مردم فرانسه برای پیروزی آن تلاش می‌کنند و کارگران



رشته‌های مختلف صندوق‌های اعتصاب خود را در خدمت بخش‌هایی قرار داده‌اند که کارگران آن‌ها در پی اعتصابات ادامه‌دار با مشکل روبه‌رو هستند. پیروزی برای کارگران فرانسه از هر جهت مهم است. از همین روست که یک رهبر اتحادیه راه‌آهن جنوب در مصاحبه خود تأکید می‌کند: باید ماکرون را به عقب‌نشینی واداشت.

اما هر نتیجه‌ای که این مبارزه در پی داشته باشد، بزرگترین دستاورد مبارزه طبقه کارگر فرانسه تا همین لحظه در این است که این موج کنونی مبارزات طبقه کارگر فرانسه یکی از بزرگترین امواج مبارزات کارگری در تاریخ جنبش کارگری فرانسه است. پیروزی این مبارزه در شرایطی که جنبش بین‌المللی کارگری در حال اعتلاست، تأثیر خود را قبل از هر چیز بر جنبش کارگری اروپایی برجای خواهد گذاشت و آن را باید یک نقطه عطف در اعتلای جنبش کارگری جهان در نظر گرفت.

اطلاعیه کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

به مناسبت درگذشت سهراب اسدیان



به یاد پدر اسدیان!

روز ۸ فروردین سال جاری سهراب اسدیان، پدر رفیق کبیر سیامک اسدیان و بردار توکل اسدیان از جان‌فشنان سازمان، در سن ۹۵ سالگی درگذشت.

سهراب اسدیان در طول زندگی خود درد و رنج فراوانی را به‌واسطه از دست دادن عزیزانش در پیکار با رژیم‌های پهلوی و جمهوری اسلامی متحمل شد و خود نیز از شکنجه و سرکوب ساواک در امان نماند. پدر اسدیان در دهه شصت، بسیاری از اعضای خانواده از جمله سیامک اسدیان فرزندش، زهرا بهکیش عرووش و برادرانش توکل و نورالله اسدیان که به مبارزه بی‌امان با جمهوری اسلامی برخاسته بودند، از دست داد. تراژدی‌های دیگری چون از دست دادن یکی از دخترانش به همراه داماد و دو نوه‌اش در جریان یک تصادف هولناک رانندگی، غم بزرگ دیگری را بر دل وی نهاد. این فشارها و درد و رنج و فقدان عزیزان بی‌شک تأثیر خود را بر پدر اسدیان نیز گذاشت و موجب افسردگی مزمن و مرگ وی شد.

کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت) درگذشت پدر اسدیان را به رفقا تسریع و علی و سایر اعضای خانواده مبارز اسدیان تسلیت می‌گوید و برای این عزیزان صبر و بردباری آرزو می‌کند. یاد پدر گرامی باد.

کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
۲۸ مارس ۲۰۲۳ برابر با فروردین ۱۴۰۲

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



جمهوری سرمایه‌داران بار دیگر دست در جیب کارگران کرد

تشکل دولتی "شورای عالی کار" در آخرین روز سال جاری، میزان افزایش دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۲ را اعلام کرد. بر اساس تصمیم این تشکل دولت سرمایه‌داران و چپاولگران، حداقل دستمزد کارگران با ۲۷ درصد افزایش از ۴ میلیون و ۱۷۹ هزار تومان به ۵ میلیون و ۳۰۷ هزار تومان رسید. با اضافه شدن حق اولاد، حق مسکن، بن خواربار و سنوات، حداقل دستمزد کارگر بدون فرزند ۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان، با یک فرزند ۸ میلیون تومان و با دو فرزند و بیشتر ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خواهد بود که در مجموع به مفهوم افزایش بین ۲۷ تا ۲۸ درصدی نسبت به حداقل دستمزد کارگران براساس مصوبه سال گذشته این تشکل دولتی است. سایر سطوح دستمزدی نیز براساس تصمیم دولت سرمایه‌داران استعمارگر و غارتگران ۲۱ درصد بعلاوه روزانه ۸ هزار و ۳۰۰ تومان افزایش یافت.

افزایش ناچیز دستمزد اسمی حتی کمتر از نصف نرخ رسمی تورم، معنای دیگری جز این ندارد که سال ۱۴۰۲ نیز مانند سال‌های گذشته دستمزد واقعی کارگران کاهش یافته، سفره خالی آن‌ها خالی‌تر و محرومیت‌هایشان حتی از حداقل نیازهایشان بیشتر از گذشته خواهد شد. وقتی تورم رسمی ۵۰ درصد و تورم واقعی حدود دو برابر تورم رسمی است، اما حداقل دستمزد کارگران تنها ۲۷ درصد و سایر کارگران ۲۱ درصد افزایش می‌یابد، یعنی قدرت خرید کارگران کاهش یافته است، به معنای این است که دستمزد واقعی کارگران نه افزایش بلکه کاهش یافته است.

در سرزمین غارتگران نیروی کار، در حالی که روزانه بر قیمت تمامی کالاها افزوده می‌شود، تنها کالایی که هر سال ارزان‌تر می‌شود، نیروی کار کارگران است. از آنجایی که کارگران فاقد تشکل سراسری خود هستند، دولت سرمایه‌داران هر دستمزدی را که بخواهد به کارگران تحمیل می‌کند و این‌گونه است که نیروی کار کارگران ایران به یکی از ارزان‌ترین نیروی کار در سطح جهان تبدیل شده است.

دولت سرمایه‌داران وقیحانه می‌گوید: "تصمیم گرفته شد مزد پراختی به کارگران تحریک کننده تورم نباشد". بهانه‌های مضحک و کثیف که هر سال کارگران از سوی تشکل دولتی "شورای عالی کار" می‌شنوند، اما آنچه که در عمل کارگران شاهد آن هستند تعمیق بیشتر بحران اقتصادی رکود - تورمی و نرخ سرسام‌آور تورم در هر سال است. جالب آن‌که دولت سرمایه‌داران در حالی این ادعا را مطرح می‌کند که سیاست‌های اقتصادی اتخاذ شده از سوی این دولت یکی از عوامل مهم بروز تورم افسارگسیخته می‌باشد.

دولت سرمایه‌داران و فاسدان در حالی کارگران را به گرسنگی و فقر محکوم می‌کند که حتی براساس قانون خودشان (قانون کار ماده ۴۱)، حداقل دستمزد باید براساس تورم و هزینه‌های یک خانوار کارگری تعیین شود. براساس این ماده از قانون کار هیچ "کارفرمایی" اجازه نخواهد داشت کمتر از حداقل دستمزد به یک کارگر پرداخت کند. حتی براساس اعتراف تشکل دولتی "خانه کارگر" هزینه یک خانوار ۳/۳ نفره کارگری (و نه حتی یک خانواده با دو فرزند)، در ماه بهمن ۱۸ میلیون تومان بوده است. اگر نرخ تورم حداقل ۴۰ درصدی پیش‌بینی شده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس را نیز در نظر بگیریم، هزینه یک خانوار در سال آینده باز براساس منابع دولتی به بالای ۲۵ میلیون تومان می‌رسد. بنابراین حداقل دستمزد سال آینده (۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان) حتی پاسخگوی نیازهای معیشتی یک هفته یک خانواده - آن‌هم براساس آمارهای رسمی - نخواهد بود.

هم اکنون حدود ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار کارگر شاغل و بازنشسته تحت پوشش قانون کار و تأمین اجتماعی هستند که با خانواده‌هایشان ۴۵ میلیون نفر یعنی بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. بسیاری از کارگران شاغل در کارگاه‌های کوچک نیز براساس قانون حاکم از شمول قانون کار خارج شده‌اند که در اغلب موارد دستمزد‌هایشان از حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار نیز کمتر است. از سوی دیگر حتی بخشی از کارگران مشمول قانون کار نیز از دریافت حق مسکن، حق اولاد و بن خواربار محروم هستند و تنها همان حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند.

همه این‌ها نتیجه حاکمیت سرمایه است، نتیجه‌ی حاکمیت دشمنان طبقه کارگر. دولت سرمایه‌داران در حالی از کارگران و خانواده‌هایشان می‌خواهد که نان خالی‌شان را در آب بزنند و بخورند که جمعیت ناچیز سرمایه‌داران و مقامات دزد و فاسد دولتی روز به روز بر ثروتشان افزوده می‌شود. کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه فقیرتر می‌شوند و سرمایه‌داران و دزدان حکومتی ثروتمندتر.

جمهوری اسلامی بار بحران اقتصادی رکود - تورمی را هر سال بیش از سال قبل بر دوش کارگران می‌اندازد، بحرانی که عامل اصلی آن مناسبات سرمایه‌داری حاکم و دولت سرمایه‌داران است. اما طبقه حاکم گوشه‌ای برای شنیدن این حرف‌ها ندارد.

معضلات اقتصادی کنونی هیچ ربطی به کارگران ندارد و کارگران نباید و نمی‌خواهند تاوان زندگی مرفه و ثروتمندتر شدن سرمایه‌داران و تاراج کشور توسط مقامات دولتی را بدهند.

کارگران برای رهایی از زندگی در رنج و فقر، باید متحد شوند و در قامت یک طبقه به مبارزه با طبقه حاکم سرمایه‌دار برخیزند. کارگران به‌خوبی دریافته‌اند که چرا طبقه حاکم سرمایه‌دار از تشکل و اتحاد کارگران وحشت دارد و در تمام این سال‌ها تلاش کرده است تا مانع شکل‌گیری تشکل‌های مستقل کارگری شود. طبقه حاکم سرمایه‌دار از کارگران و اتحاد و همدلی آن‌ها هراسناک است و برای غلبه بر ترس خود تشکلات کارگری و مبارزات کارگران را سرکوب می‌کند.

کارگران برای رهایی از زندگی در رنج و فقر باید متحد شوند، جمهوری اسلامی را برانداخته و حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان را برپا دارند. حکومتی که به فقر، ستم و استثمار کارگران پایان خواهد داد. حکومتی که در آن همه مقامات و مناصب دولتی از بالا تا پائین، انتخابی و قابل عزل خواهند بود. موکلین هر زمانی که اراده کردند می‌توانند منتخبین را برکنار و فرد دیگری را انتخاب کنند. در حکومت شورایی، حقوق مقامات دولتی که منتخب مستقیم شوراها هستند از متوسط دستمزد کارگران بالاتر نخواهد بود. سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی یک حکومت شورایی، تنها راه رهایی برای طبقه کارگر ایران است و تمامی راه‌های دیگر که عوام‌فریبان خارج و داخل در پیش پای مردم ستم‌دیده ایران می‌گذارند، جز اسارت طبقه کارگر تحت سلطه یک دولت سرمایه‌داری دیگر، حاصلی نخواهد داشت.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۹ اسفند ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

بحران اقتصادی رکود - تورمی در سالی که گذشت و چشم‌انداز آن در سال جاری

بر تشدید رکود اقتصادی و منفی شدن رشد اقتصادی داشت. یکی از این نمونه‌ها معضل کمبود برق است که منجر به تعطیلی و یا کاهش تولید در بسیاری از کارخانجات شد. تولید فولاد یک نمونه است. به گفته‌ی بهرام سبحانی رئیس "انجمن فولاد"، خاموشی صنایع به دلیل نبود برق در سال گذشته پیش از شروع تابستان آغاز شد که منجر به زیان چهار میلیارد دلاری صنعت فولاد شد. به گفته‌ی وی میزان درخواستی شرکت‌های منطقه‌ای برق برای کاهش مصرف برق کارخانجات فولادی نتیجه‌ای جز تعطیلی و توقف تولید نداشته است. وضعیت کنونی تولید در فولاد خوزستان یک نمونه از وضعیت واقعی این بخش از صنعت است.

اما تنها صنعت فولاد با این معضل روبرو نبود، بسیاری از صنایع دیگر حتی پتروشیمی‌ها که درآمدهای دلاری آن‌ها برای جمهوری اسلامی اهمیت بسیار دارد با این معضل روبرو شدند. براساس گزارش رسانه‌های جمهوری اسلامی متوسط راندمان نیروگاه‌های کشور کمتر از ۴۰ درصد است و عمر برخی از نیروگاه‌ها به بیش از ۶۰ سال رسیده است!!

اگر در تابستان معضل برق برخی از صنایع را با تعطیلی و یا کاهش تولید روبرو ساخت، در زمستان کمبود گاز همین نقش را بازی کرد. کمبود گاز در فصل زمستان به‌حدی بود که حتی میلیون‌ها تن از مشترکان خانگی نیز با قطعی گاز و یا کاهش فشار گاز روبرو شدند که اعتراضاتی را نیز در برخی از شهرها به دنبال آورد. براساس برآورد برخی از "کارشناسان" صنعت نفت و گاز، حفظ سطح کنونی تولید و یا مقدار کمی افزایش به ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد و فراموش نکنیم که ایران دارای دومین ذخایر شناخته شده‌ی گازی در جهان است اما خود با کمبود گاز روبروست. هم اکنون بسیاری از پالایشگاه‌های ایران قدیمی و در واقع از رده خارج هستند که یکی از نتایج آن تولید بالای مازوت از نفت خام، آن هم با کیفیت بسیار پایین و غیراستاندارد است.

صنعت اتومبیل‌سازی نیز که کارگران زیادی در آن مشغول به کار هستند با معضلات بی‌شماری روبروست که یکی از آن‌ها عقب‌ماندگی تکنولوژیک این صنعت است که حداقل ۳۰ سال از صنعت اتومبیل‌سازی در جهان عقب است. از جمله نتایج فاجعه‌بار آن نیز این است که ماشین‌های تولیدی به ارابه‌های مرگ معروف شده‌اند. از سوی دیگر مصرف بالای بنزین این ماشین‌ها منجر به ناترازی میزان تولید و مصرف شده و در حالی که دو سال قبل جمهوری اسلامی به صادرکننده بنزین تبدیل شده بود در سال جاری مجبور به واردات بنزین خواهد بود، مگر آن‌که دولت بهای بنزین را به شدت بالا ببرد که جرات این کار را هم به دلیل ترس از اعتراضات مردم ندارد.

همین معضل را در بخش کشاورزی نیز به شکل دیگری می‌بینیم. عدم سرمایه‌گذاری در این بخش و خشک شدن زمین‌ها منجر به کاهش محصولات کشاورزی و در نتیجه مهاجرت

روستائیان به حاشیه شهرها شده است که به نوبه‌ی خود معضلات اجتماعی را افزایش داده است. بسیاری از باغات پسته خشک شده‌اند و کشاورزی مردم سیستان در آستانه نابودی کامل است. دریاچه ارومیه در حال خشک شدن است که می‌تواند جدا از تأثیرات مخرب محیط زیستی کشاورزی چندین استان را نابود کند. حتی پیش‌بینی کرده‌اند که در صورت ادامه این روند بخش‌هایی از استان مازندران نیز بیابانی خواهد شد. اعتراضات کشاورزان استان‌های اصفهان و خوزستان و برخی دیگر از استان‌ها نتیجه‌ی همین وضعیت است. وضعیت به‌گونه‌ای است که ایران به شدت به واردات مواد غذایی وابسته شده و این وابستگی مدام در حال افزایش است.

افزایش بهای مواد اولیه مورد نیاز این بخش همچون کود یکی دیگر از معضلات بخش کشاورزی است که به تشدید رکود منجر شد. بسیاری از مرغاری‌ها و دامداری‌ها نیز بدلیل افزایش شتابان بهای مواد اولیه مورد نیازشان (و در واقع کاهش ارزش ریال) ورشکست و تعطیل شدند. این در حالی است که بهای مرغ برای مصرف‌کننده نسبت به سال گذشته بیش از دو برابر افزایش یافت و به همین دلیل تقاضا نیز برای خرید مرغ، تخم‌مرغ و بویژه گوشت به شدت کاهش شد، تا جایی که بسیاری از فروشگاه‌های عرضه کننده گوشت تعطیل شدند. صادرات فرش نیز که در دهه هفتاد بیش از ۲ میلیارد دلار بود، هم اکنون به کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار رسیده است.

بخش خدمات نیز که نیروی کار زیادی در این بخش مشغول به کار هستند با تشدید رکود در صنایع و کشاورزی و کاهش قدرت خرید مردم با تشدید رکود همراه بود. جدا از این، برخی از سیاست‌های حکومت عملاً منجر به تعطیلی و رکود شدید در بخش‌هایی از این رشته اقتصادی شد. گسترش محدودیت در استفاده از اینترنت در پی آغاز اعتراضات سراسری و فیلتر شدن شبکه‌هایی همچون اینستاگرام ضربه زیادی به این بخش وارد کرد تا جایی که برخی از آمارها حکایت از بیکاری بیش از سه میلیون نفر در اثر محدودیت‌های اینترنتی و فیلتر شدن تعدادی از شبکه‌های اجتماعی که برخی از کسب و کارها

به آن وابسته بودند، شده است.

همراه با تشدید رکود، همان‌طور که در ابتدای مقاله نیز آمد، نرخ تورم رکورد جدید و بی‌سابقه‌ای از خود برجا گذاشت. اگرچه نهادهای دولتی نرخ رسمی تورم را در حدود ۵۰ درصد اعلام کردند، اما واقعیت این است که نرخ واقعی تورم بسیار فراتر از نرخ رسمی است. بویژه تورم مواد خوراکی که بخش مهمی از درآمدهای کارگران و زحمتکشان را می‌بلعد بسیار بالا بود، به نحوی که حتی براساس آمارهای رسمی نیز تورم مواد خوراکی در طول سال بین ۷۰ تا ۸۰ درصد بوده است. براساس گزارش بانک جهانی که بر مبنای آمارهای ارائه شده از سوی دولت‌ها تهیه می‌شود، ایران در کنار زیمبابوئه، لبنان، ونزوئلا، ترکیه، آرژانتین، سریلانکا، رواندا، سورینام و لائوس دارای بیشترین تورم مواد غذایی در سال ۲۰۲۲ بود.

نه فقط اقتصاددانان مستقل، بلکه حتی اقتصاددانان وابسته و مقامات دولتی نیز به ساختگی بودن نرخ رسمی تورم اذعان دارند و حتی برخی خطر وقوع ابرتورم را در سال جاری هشدار داده‌اند. یحیی ابراهیمی نماینده مجلس اسلامی ۲۳ اسفند با اشاره به عدم تحقق وعده ابراهیم رئیسی در مورد ساخت یک میلیون مسکن، گفت: "در زمینه مسکن با میلگردی که سه، چهار ماه پیش کیلویی ۱۴ هزار تومان بوده و الان ۳۲ هزار تومان شده، امکان‌پذیر نیست. واقعاً نمی‌دانم مردم دیگر چگونه باید زندگی کنند؟ الان تورم به شکل واقعی سه رقمی است".

در حالی که در فروردین ماه سال گذشته بهای یک دلار برابر با ۲۶ هزار تومان بود، در روزهای آغاز سال نو به ۵۵ هزار تومان رسید، یعنی بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافت و اگر حتی با همین شیب بهای دلار نسبت به ریال افزایش یابد، در پایان همین سال در صورت بقای جمهوری اسلامی شاهد دلار ۱۰۰ هزار تومانی خواهیم بود. کاهش ارزش ریال ارتباط مستقیمی با افزایش نرخ تورم دارد و همین مقایسه نشان می‌دهد که تورم با چه شتابی در طول یکسال گذشته افزایش یافته است.

در فروردین ۱۴۰۱ قیمت پراید به‌عنوان ارزان‌ترین خودروی تولید داخل، ۱۷۸ میلیون تومان

در صفحه ۱۱



بحران اقتصادی رکود - تورمی در سالی که گذشت و چشم‌انداز آن در سال جاری

سونیس

کمک های مالی

۳۰ فرانک	علی‌اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسه‌چی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمینا

ایران

۱ میلیون تومان	آبان ادامه دارد
----------------	-----------------

هلند

۱۵۰ یورو	رفیق نبی جدیدی
----------	----------------

آلمان

۱۰۰ یورو	۲۵ اسفند، یاد جانفشانان فدائی گرامی
----------	-------------------------------------

آمریکا

۲۵ دلار	مهسا
۵۰ دلار	از سیاهکل تا حکومت شورایی
۱۰۰ دلار	رفیق توکل حکومت شورایی

کانادا

۱۰۰۰ یورو	ونکوور
-----------	--------

فقر در میان کارگران و زحمتکشان و انباشت افسانه‌های ثروت در دست سرمایه‌داران شده است. سیاست جمهوری اسلامی در طول این سال‌ها برای ارزان کردن نیروی کار به این منجر شده است که امروز نیروی کار کارگران ایران، همپای فقیرترین کشورهای جهان یکی از ارزان‌ترین نیروهای کار در سطح جهان شده است. کاهش بهای نیروی کار یکی از اهداف سیاست اقتصادی نئولیبرال است که در تمام این سال‌ها توسط "شورای عالی کار" به‌عنوان یکی از بازوهای حکومت اسلامی اجرا شده است.

راه حل خامنه‌ای یعنی تشدید سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال برای به‌اصطلاح حل معضلات معیشتی مردم، بوضوح نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی نه تنها راه‌حلی برای بهبود وضعیت اقتصادی ندارد، بلکه سیاست آن فراهم‌تر کردن بستر استثمار شدیدتر کارگران توسط سرمایه‌داران است. بنابراین تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سریر قدرت است نه تنها نمی‌توان انتظار هیچ تغییر مثبتی در زندگی و معیشت کارگران و زحمتکشان داشت، بلکه سال به سال بدتر نیز خواهد شد، همان‌طور که تجربه تمام این سال‌ها این موضوع را اثبات می‌کند.

بحران اقتصادی رکود - تورمی که بیش از چهار دهه بر اقتصاد ایران سایه افکنده است، ریشه در تضادهای شیوه تولید و ویژگی‌های سرمایه‌داری ایران دارد و ساختار سیاسی پر تناقض آن از جمله وجود یک دولت دینی نیز در تشدید و تداوم آن نقش ایفا کرده است. اکنون اما این بحران به‌حدی عمق یافته و تأثیرات آن بر ساختار اقتصادی جامعه به‌گونه‌ای است که هیچ جناحی از بورژوازی ایران قادر به حل بحران اقتصادی رکود - تورمی نبوده و راه حلی برای آن ندارد. چرا که این بحران با توجه به ساختار مناسبات سرمایه‌داری حاکم تنها با اقدامات اقتصادی رادیکالی قابل مهار شدن است که فقط حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان با توجه به ویژگی‌هایی که دارد قادر به انجام آن‌هاست.

بود. در اسفند ۱۴۰۱ قیمت پراید به ۳۱۰ میلیون تومان رسید. بهای برخی از داروها تا چند برابر افزایش یافت. کاهش مداوم ارزش ریال به جایی رسید که در بیمارستان‌های خصوصی برخی از پزشکان متخصص برای عمل جراحی به جای ریال، سکه طلا یا دلار طلب می‌کنند و گاه تنها هزینه دکتر متخصص برای عمل جراحی از یک میلیارد تومان گذر می‌کند. به‌نظر می‌آید که بحران نان نیز در ماه‌های آینده افزایش یابد. جمهوری اسلامی همچنین هزینه‌های آب، برق و گاز را بی‌سروصدا افزایش داد تا جایی که قبض گاز حتماً تا ۱۰ برابر برای برخی از مشترکین افزایش یافت.

بر اساس پیش‌بینی مرکز پژوهش‌های مجلس، کسری بودجه ۱۴۰۱ بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار میلیارد تومان بوده است و همه چیز حکایت از آن دارد که کسری بودجه سال‌جاری از سال گذشته نیز بسی فراتر خواهد رفت. کسری بودجه کلان جمهوری اسلامی در حالی‌ست که در سال گذشته درآمدهای مالیاتی جمهوری اسلامی حتماً از میزان پیش‌بینی شده در بودجه مقداری بیشتر بود، درآمدهایی که بخش عمده‌ی آن در اشکال گوناگون از سفره‌ی کارگران و زحمتکشان جامعه تأمین شد و سهم ثروتمندان در آن بسیار ناچیز بود. برای نمونه در حالی که نهادهای اقتصادی وابسته به خامنه‌ای بنا بر اعتراف رسانه‌های دولتی حداقل سهمی ۱۰ درصدی از اقتصاد ایران دارند، از مجموع ۱۸۵ هزار میلیارد تومان مالیات دریافتی تنها حدود ۱۱۸ میلیارد تومان مالیات پرداخت کردند، یعنی به معنای کامل کلمه هیچ. برای مثال تنها مالیات مستقیمی که کارگران ایران خودرو پرداخت کرده‌اند، کارگرانی که عموماً زیر خط فقر زندگی می‌کنند، از کل مالیات پرداخت شده توسط نهادهای اقتصادی وابسته به خامنه‌ای بیشتر بوده است.

کسری بودجه، در کنار شتاب افزایش حجم پایه پولی و نقدینگی آن‌هم در شرایطی که اقتصاد رشد منفی دارد، عمق بحرانی را به تصویر می‌کشد که جمهوری اسلامی هیچ راه‌حلی برای آن ندارد. خامنه‌ای در روزهای گذشته دو بار با تأیید وضعیت وخیم معیشتی راه حل این مساله را در بازگذاشتن دست سرمایه‌داران و عدم دخالت دولت در بازار اعلام کرد. سیاست شکست‌خورده نئورئیسین‌های نئولیبرال سرمایه‌داری که امروز حتماً در پیشرفته‌ترین کشورهای دنیای سرمایه‌داری نیز نه تنها قادر به ارائه راه‌حلی برای بحران اقتصادی کنونی نیست، بلکه برعکس ادامه این سیاست‌ها از جمله در فرانسه منجر به تشدید بحران اقتصادی و بدنبال آن بحران‌های سیاسی و اجتماعی شده است.

واقعیت این است که سیاست اقتصادی اعلام شده از سوی خامنه‌ای چیز جدیدی در جمهوری اسلامی نیست و سال‌هاست که همین سیاست توسط تمامی کابینه‌های منصوب وی اتخاذ شده و اتفاقاً همین سیاست‌ها که یکی از آن‌ها ارزان کردن بهای نیروی کار است، منجر به گسترش



بحران اقتصادی رکود - تورمی در سالی که گذشت و چشم‌انداز آن در سال جاری

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)
نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب
بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه
کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های
سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1014 April 2023

شد، آن‌هم در شرایطی که فقر سایه هولناک خود را بر بیش از ۹۰ درصد جمعیت کشور گستراند. به‌گزارش نشریه فوربس در سال ۲۰۲۱ (حدوداً سال ۱۴۰۰ را در نظر بگیرید) تعداد میلیون‌های (دلاری) ایرانی که اغلب در تهران زندگی می‌کردند حدود ۲۵۰ هزار نفر و بسیار بیشتر از حتماً کشور عربستان سعودی بوده است. میلیون‌هایی که در سال گذشته در قبال فقیرتر شدن کارگران و زحمتکشان بر ثروت‌های‌شان به شدت افزوده شد.

به‌گزارش مرکز آمار شاخص فلاکت در سال گذشته به ۴۹/۴ درصد رسید. این البته آمار یک نهاد دولتی است که براساس نرخ ساختگی و به اصطلاح رسمی تورم و بیکاری تهیه شده است و گرنه شاخص فلاکت در ایران بسیار فراتر از همین رقم وحشتناک است و به سادگی می‌توان دید که حداقل ۹۰ درصد مردم با مشکلات عیدیه اقتصادی درگیر هستند، از تامین مواد غذایی مورد نیاز تا هزینه‌های درمان و غیره.

اما کاهش مطلق سرمایه ثابت تنها یکی از معضلات تودرتوی اقتصاد ایران در سال گذشته بود. عدم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها در طول سالیان گذشته که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی فساد سیستماتیک و گسترده دولتی‌ست، تأثیرات زیادی

در صفحه ۱۰

اقتصاد از صنعت تا کشاورزی و بخش‌های خدماتی را در کما فرو برد. کاهش قدرت خرید مردم نه فقط کاسبان خرد و صاحبان کارگاه‌های کوچک را ورشکست و یا حتماً به زیر خط فقر راند، بلکه صنعت و کشاورزی را نیز تحت‌تأثیر قرار داد.

براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس اسلامی که ۲۰ آذرماه منتشر شد، تشکیل سرمایه ثابت خالص به عدد منفی ۵۹/۶۳۴ در سال ۱۴۰۱ رسید. براساس گزارش این مرکز در سه سال اخیر تشکیل سرمایه ثابت منفی بوده است و در این میان سال ۱۴۰۱ بدترین سال از نظر منفی بودن تشکیل سرمایه ثابت خالص است. معنای منفی شدن تشکیل سرمایه ثابت این است که به‌رغم تبلیغات دروغین جمهوری اسلامی، میزان استهلاك سرمایه ثابت از میزان سرمایه‌گذاری ثابت جدید در یک بازه زمانی مشخص بیشتر بوده است. تعطیلی خطوط تولید و یا کاهش تولیدات کارخانجات یکی از نتایج این امر است که تشدید رکود اقتصادی را بدنبال آورد. از دیگر نتایج کاهش میزان خالص سرمایه ثابت افزایش بیکاری و کاهش درآمد سرانه است. نکته قابل توجه اما این است که به‌رغم کاهش درآمد سرانه، بر ثروت جمعیت بسیار کوچک سرمایه‌داران در همین بازه زمانی به‌شدت افزوده



tvshorashora@gmail.com

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای
زحمتکش و ستم دیده ای است که برای
آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه‌های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید. مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: tvshorashora@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی